

عنوان مقاله:

آموزش مداوم و تیوری های سازمان و مدیریت

محل انتشار:

هشتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 7

نویسنده:

حجت الله درفش - عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

خلاصه مقاله:

آموزش مداوم از تولد اولین بشر، در کره زمین ساری و جاری شد. انسان های اولیه برای زنده ماندن نیاز به تجربه کردن هر آنچه که در محیط پیرامون شان می گذشت را داشتند و به همین منظور از طریق آزمایش و خطا اقدام به انجام کارهای روزانه می نمودند. بتدریج قدرت تمیز آنها برای کار کم نقص تر بر اثر تجربیاتی که بدست می آوردند بالاتر می رفت. این تجربه را می توان به نوعی یادگیری نام گذاشت. برای ادامه زندگی، به تجربه های جدیدتر نیاز بود، به همین منظور کسب تجربیاتی که در زندگی روزانه به آنها کمک می کرد تبدیل به یادگیری می شد. خانواده که تشکیل شد والدین رسالت تعلیم و تربیت دیگر اعضای خانواده را بعهده گرفتند. آنها تلاش می کردند تا فرزندان را با مهارت هایی که در اثر تجربه بدست آورده بودند آشنا کنند و به این طریق آموزش مداوم به یکی از رسالت های مهم خانواده ها و در سطحی گسترده تر جامعه تبدیل شد. از گذشته بسیار دور رسالت عملیاتی کردن آموزش مداوم را به نوعی دولت های آن زمان بعهده گرفته بودند، به عنوان نمونه، بیش از سه هزار سال پیش از میلاد مسیح، در چین باستان آموزش و پرورش وارد اجتماع شد. آنچه که این مقاله در پی آن است بررسی آموزش مداوم در سازمان های رسمی می باشد. فردریک تیلور را می توان کاشف آموزش مداوم در سازمان ها ی رسمی بشمار آورد. وی در پی همگام کردن کارکنان با نوآفرینی هایی که در محیط کار اتفاق می افتاد بود. در اصول چهارده گانه فایول به دادن فرصت به کارکنان و نیز آموزش آنها تا از طریق آن تفکر و نوآوری کنند تاکید شده است. یکی از ویژگی های بوروکراسی نوع آرمانی برخورداری از دانش، خبرگی و تجربه بالا ی کارکنان می باشد که این عمل فقط از طریق آموزش های مداوم امکان پذیر است. اتفاق نظر نظریه های رهبری، یادگیری سازمانی و سازمان های یادگیرنده بر آن است که سازمان های امروزی برای ماندن در صحنه رقابت، باید آموزش مداوم و یادگیری مادام العمر رامشخصه بارز عملکرد خود قرار دهند.

کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/759001>

